



الگوی ایرانی-اسلامی وکالت مدنی و حقوقی و قیاس آن با الگوی مشابه در کشور کانادا

محمدرضا عمادی^۱، عیسی امینی^۲، جلیل مالکی^۳، محمدرضا پیرهادی^۴

۳۲

دوره ۱۲، شماره ۴، پیاپی ۳۲
زمستان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲-۰۴-۱۰تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳-۰۳-۰۶

صص: ۱۱۸-۹۷

شاپا چاپی: ۵۵۹۹-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهشی صنعت گواهی در:
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده

وکیل به معنای نماینده، به‌عنوان یک حرفه شناخته شده که در امورات قضائی، به نفع موکل خود فعالیت دارد. اما در برخی دیگر از امورات، به‌عنوان حرفه محسوب نمی‌شود. بنابراین دو مفهوم وکالت مدنی و دادگستری مطرح است که در نظام حقوقی کشورمان، تفکیکی بین این دو صورت نگرفته است. این پژوهش به روش تحلیلی-توصیفی انجام شده و در صدد پاسخ به این سؤال است که اثر تفاوت‌های وکالت‌های دادگستری و مدنی بر نظام‌های اداری ایران و کانادا چیست و الگوی مناسب برای اصلاح نظام حقوق اداری کشور در این خصوص به چه صورت است؟ چنین نتیجه شد که نظام حقوق اداری کانادا از عرف تأثیرپذیر بوده و در صورت ابهام قانون، پرکننده این خلأها می‌باشد. سه تأسیس وکالت، نماینده و اجازه‌نامه موجب تفکیک ماهیت و آثار آن‌ها شده که متأثر از مقررات اداری موضوع سند می‌باشد. درعین حال حدود اختیارات وکیل می‌باید بست تحدید شود. در کشور ما مقررات اداری تابع حقوق موضوعه بوده و در خصوص تفکیک وکالت‌های مذکور اقدامی صورت نگرفته است. باهدف بسته شدن روزه سوءاستفاده وکلای دادگستری، نیاز است ضمن تفکیک دو تأسیس مذکور، اختیارات آن باراده سازمان‌های مختلف و هماهنگی با اداره ثبت محدود شده و استفاده هم‌زمان وکالت‌های مدنی و دادگستری ممنوع اعلام گردد. درعین حال کلیه فعالیت‌های نمایندگی به‌موجب سند رسمی و نه سند عادی صورت پذیرد.

کلیدواژه‌ها: وکالت، امورات شراکت، نمایندگی، امورات اقتصادی، امورات مدنی.

۱. دانشجوی دکتری، حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

۲-استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) E.Amini@iauctb.ac.ir

۳-استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

۴-استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

۱- مقدمه و بیان مسئله

گاه افراد برای انجام امورات خود، شخص دیگر را نماینده قرار داده که به موجب ادبیات فقهی و حقوقی کشور به آن وکیل گویند. وکیل در حدود اختیارات اعطائی به وی، حق انجام افعال دارد. ماده ۶۵۶ «ق.م.» چنین بیان داشته که «وکالت عقدی است که به موجب آن، یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نلیب خود می‌نماید.» اها در این بین، وکالت به عنوان یک حرفه حقوقی-قضائی، وجود دارد. به این نوع وکالت، وکالت دادگستری گفته که از نظر ماهوی با وکالت مدنی خلط شده است. در حال حاضر بخش اعظمی از پرونده‌های دادسرای انتظامی وکلا، به سوء استفاده وکلای دادگستری از وکالت مدنی مرتبط بوده و این مهم نشان‌دهنده چالش‌های نظام حقوقی ایران در خصوص دو تأسیس مذکور است. بنابراین ضرورت داشته که طی یک تحقیق علمی، وضعیت حقوقی این مهم بررسی شده و برای رفع این چالش‌ها، پیشنهادهای حقوقی ارائه شود.

بدین منظور ابتدا از وکالت‌های مدنی و دادگستری تعاریف مرتبط ارائه شده و سپس مفاهیم ماهوی آن در کشور ما و غرب بررسی شده است. در نهایت ضمن شناسائی چالش‌ها، پیشنهادات برای اصلاح امور ارائه شده است. این پژوهش از این نظر با مجله الگوی پی‌شرفتم اسلامی-ایرانی ارتباط داشته که الگوی اسلامی-ایرانی وکالت با الگوی غربی قیاس شده تا نقاط قوت و ضعف آن شناسائی شود.

۲- سوالات و اهداف

سوال پژوهش اینکه نقاط قوت و ضعف الگوی اسلامی-ایرانی وکالت چیست و راهکارهای اصلاح آن شامل چه مواردی می‌باشد؟ هدف پژوهش نیز پاسخ‌دهی به این سؤال می‌باشد.

۳- پیشینه پژوهش

رضایی و همکاران (۱۳۹۷) ضمن تشریح تفاوت دو تأسیس وکالت مدنی و دادگستری به بیان مسئولیت‌های مدنی و کیفی آنها پرداخت (رضائی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۰). الکساندر

(۲۰۱۹) اثرگذاری امورات اداری بر قوانین وکالت کانادا را برر سی نمود (الکساندر، ۲۰۱۹: ۷۷). بوکمن (۲۰۲۱) ضمن برر سی قوانین وکالت در کانادا و چند ک شور اروپائی، قوانین کانادا را کامل و جامع دانست (بوکمن، ۲۰۲۱: ۴). تیبت و همکاران (۲۰۲۱) نیز قابلیت اعمال این قوانین جامع در حقوق کشورهای جهان سوم را مورد بحث قرار داد (تیبت و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۱۵۷).

۳-۱ نوآوری پژوهش

چنانچه بیان شد، بحث وکالت‌های مدنی و دادگ ستری در ادبیات حقوقی ایران به خصوص حقوق اداری محجور مانده و تاکنون نیز مقایسه‌ای در این خصوص بین نظام حقوقی ایران با یک ک شور غربی صورت نگرفته است. بنابراین جنبه نوآوری پژوهش کنونی اولاً توجه به جایگاه تفاوت دو تآ سیس مذکور در نظام حقوقی اداری ایران و سپس مقایسه آن با نظام حقوقی کشورهای غربی می‌باشد.

۴-ملاحظات مفهومی و نظری

در این قسمت، مبانی و مفاهیم واژگان پژوهش شرح داده شده است. باتوجه به موضوع پژوهش که پیش‌تر تشریح شد، دو تآ سیس حقوقی مهم «وکالت مدنی» و «وکالت دادگ ستری» مدنظر بوده که ذیلاً به تعریف آنها پرداخته شده است.

۴-۱ مفهوم وکالت مدنی

مبنای وکالت مدنی، عملتاً قانون مدنی است. بحوث مرتبط با وکالت نیز در حقوق مدنی جای دارد. فقهای محترم نیز در خصوص وکالت، بحث‌های متعددی را مطرح ساخته که در مواد ۶۵۶ الی ۶۸۳ «ق.م» منعکس شده است. به‌طور کلی منظور از وکالت مدنی آن است که شخص اصیل برای انجام امورات حقوقی خود نماینده تعیین کرده که طی سند رسمی، به آن رسمیت می‌بخشد. این سند رسمی نیز در امورات اداری کاملاً معتبر است. وکالت گاه به‌موجب سند عادی نیز ایجاد می‌شود که در ادامه به آن اشاره شده است. در حقوق ایران، وکالت عقدی جایز محسوب شده که در صورتی که حق عزل، سلب نشده باشد، هر یک از طرفین می‌توانند به این

عقد خاتمه دهند. در این گونه وکالت نیز وکیل به تخصص خاص نیاز نداشته و هر شخص دارای اهلیت عادی را می‌توان به‌عنوان وکیل انتخاب نمود.

به‌موجب ماده ۶۷۸ «ق.م» وکالت به طریق ذیل مرتفع می‌شود:

۱- به عزل موکل.

۲- به استعفای وکیل.

۳- به موت یا به جنون وکیل یا موکل.

نظام حقوقی کلنادا پس از سال‌ها بحث حقوقی در مسائل کامن-لائی، قانون مدنی را به صورت کلی تصویب کرده و تعیین جزئیات آن را اولاً به قوانین ایالتی و سپس به‌نظام اداری ارجاع دادند (سینگر، ۲۰۱۹: ۲۰۱۲). به‌موجب ماده ۲۱۲ قانون مدنی فدرال، افراد می‌توانند اشخاص دارای صلاحیت را به‌عنوان «نماینده» خود در امورات حقوقی و اداری منصوب نمایند. در برخی ایالت‌ها به تشریح این جزئیات پرداخته شده و در اکثر موارد خیر. در ایالت کبک، قانون مدنی محلی، وکالت مدنی بدون حق عزل و به صورت کاملاً جایز دانسته شده که در امورات اداری این ایالت کاملاً معتبر است (سوتر، ۲۰۱۸: ۱۶۳).

ماحصل بحث اینکه نظام حقوقی کانادا به وکالت مدنی معنایی شناور بخشیده و این در حالی بوده که در کشور ما، حسب منابع حقوقی، وکالت به صورت یک عقد با انعطاف کم مفهومی تعریف شده است.

۲-۴ مفهوم وکالت دادگستری

قانون وکالت در کشور ما در سال ۱۳۱۵ تصویب شده که بدون ذکر تعریفی دقیق از این حرفه، در ماده یکم، درجه‌بندی آن را بیان داشته است. به‌موجب تفسیر موسع از ماده دوم این قانون نیز می‌توان وکالت دادگستری را امری تخصصی در امورات قضائی دانست.

باتوجه به تقسیم‌بندی پرونده‌های قضائی به دو تأسیس حقوقی و کیفری، آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امورات کیفری و مدنی به‌صورت جداگانه وکالت‌های دادگستری را تعریف کرده‌اند. باب دوم از «ق.آ.د.م» به وکالت در دادگاه‌ها در امور مدنی اختصاص دارد. باتوجه به اعتراضاتی که به وضعیت اختیارات وکلا وجود دارد، ماده ۳۵ از قانون مذکور، به این

موضوع وارد شده و به موجب آن، «وکالت در دادگاه»ها شامل تمام اختیارات راجع به امر دادرسی است جز آنچه را که موکل استثناء کرده یا توکیل در آن خلاف شرع باشد، لیکن در امور زیر باید اختیارات وکیل در وکالت نامه تصریح شود:

۱- وکالت راجع به اعتراض به رأی، تجدیدنظر، فرجام خواهی و اعاده دادرسی.

۲- وکالت در مصالحه و سازش.

۳- وکالت در ادعای جعل یا انکار و تردید نسبت به سند طرف و استرداد سند.

۴- وکالت در تعیین جاعل.

۵- وکالت در ارجاع دعوا به داوری و تعیین داور.

۶- وکالت در توکیل.

۷- وکالت در تعیین مصدق و کارشناس.

۸- وکالت در دعوی خسارت.

۹- وکالت در استرداد دادخواست یا دعوا.

۱۰- وکالت در جلب شخص ثالث و دفاع از دعوی ثالث.

۱۱- وکالت در ورود شخص ثالث و دفاع از دعوی ورود ثالث.

۱۲- وکالت در دعوی متقابل و دفاع در قبال آن.

۱۳- وکالت در ادعای اعسار.

۱۴- وکالت در قبول یا رد سوگند.

در «ق.آ.د.ک» صراحتاً به مسئله وکالت اشاره نشده، اما با فرض اطلاع از وضعیت وکالت دادگستری در امور کیفری، به مواردی از آن اشاره شده است. برای مثال، ماده ۳۴۹ این قانون، بیان داشته که «وجود یکی از جهات رد دادرسی بین وکیل تسخیری با طرف مقابل، شرکا و معاونان جرم یا وکلای آنان موجب ممنوعیت از انجام وکالت در آن پرونده است.» به هر حال حرفه وکلالت دادگستری که وظیفه آن دفاع از حق متهم، خولنده و خواهان در دادگاه هاست، در جریان است و باتوجه به حرفه ای بودن و لزوم آشنائی با مسائل حقوق قضائی، به عنوان «وکالت دادگستری» دانسته شده است (عابدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۵).

در ادبیات حقوقی کشور کانادا، تعریفی از وکالت دادگستری ارائه نشده، اما این نوع وکالت حرفه‌ای، «لیر» خوانده شده که مفهوم آن با «نمایندگی» متفاوت است (بادی، ۲۰۱۸: ۱۵۱). بنابراین با تعریف ادبی، دو تأسیس وکالت مدنی و دادگستری از یکدیگر تفکیک شده‌اند. چنانچه در ادامه بیان شده است، این تعاریف ادبی اثر حقوقی قابل توجهی بر تأسیس وکالت‌های مدنی و حقوقی داشته که نیاز است نظام حقوق اداری کشورمان از آن الهام پذیرد.

۳-۴ ماهیت وکالت های مدنی و دادگستری

به موجب ماده ۶۷۸ «ق.م.» به محض فوت موکل، وکالت‌نامه از هر نوع، از اعتبار ساقط شده و این مهم به صورت یک اصل کلی در تمام مسائل جزئی حقوقی کشورمان سایه افکننده و نظام اداری - سب این ماده قانونی، به هیچ وجه مجاز به پذیرش وکالت‌نامه‌ای که موکل آن فوت نموده نمی‌باشد.

در نظام حقوقی کلنادا، وکلای دادگستری حق تکمیل امورات ناتمام موکل متوفی را دارند. این مهم نه در قانون مدنی و در قوانین موضوعه ایالتی ذکر شده است. بلکه به موجب دستور شماره ۴۷۵۸/۲۵۱ قوه قضائیه کانادا مورخ ۱۹۹۸/۰۴/۰۵ به وزارت دادگستری ابلاغ شده و بر مقررات اداری سایه افکننده است (پدر سون، ۲۰۰۷: ۱۵۲) بنابراین وکیل دادگستری در امورات اداری - قضائی که به وی سپرده شده تا زمان تکمیل آنها حتی پس از مرگ موکل دارای اختیار است. نکته قابل توجه اینکه این مهم نه بر اساس قوانین موضوعه، بلکه به موجب مقررات اداری رسمیت یافته است. نظام اداری کانادا که نظام قضائی نیز بخشی از آن محسوب می‌شود (قوه قضائیه از نظر اداری تابع قوه مجریه می‌باشد)، چنین تصمیم گرفته که وکالت دادگستری را تحت هر عنوان تا زمان تکمیل امور به رسمیت بشناسد (عسگری و عباسی، ۱۴۰۰: ۳۲). نکته قابل توجه دیگر آن است که در این شرایط وکیل جهت انجام امورات و حتی حق الوکاله خود حق برداشت از اموال متوفی را داشته و دریافتی‌های این افعال مستقیماً به اموال متوفی اضافه می‌گردد (فاربنم، ۲۰۱۹: ۱۱۰).

در مقام قیاس بین دو نظام حقوقی ایران و کلنادا می‌توان اولاً به اثرگذاری نظام اداری کلنادا بر حقوق موضوعه اشاره کرد که به نوعی موجب تأسیس جدید می‌گردد. نظام اداری ایران

مقرراتی کاملاً در چارچوب حقوق موضوعه وضع کرده که قوانین آن فاقد انعطاف است. برخی به امکان سوءاستفاده و کیل دادگستری از شرایط فوت موکل اشاره داشته که باتوجه به اختیارات محدود وکالت دادگستری در کانادا، این امکان وجود نخواهد داشت.

در وکالت‌های مدنی، نیز بسته به امورات اداری، وکالت می‌تولند پس از فوت موکل معتبر باشد یا خیر. اما حسب ماده ۶۷۸ «ق.م» این مهم در کشور ما به صورت مطلق پس از مرگ موکل غیرمعتبر خواهد بود. برای مثال، چنانچه در ادامه بیان شده است، در زمان صدور مجوز انتقال مالکیت خودرو، استعلام زنده‌بودن موکل انجام شده و بدین صورت به وکالت‌نامه مرتبط با خودرو ارزش دائمی بخشیده شده است. اما در بخش معاملات مسکن، استعلام زنده‌بودن موکل انجام شده و در صورت فوت موکل، سند وکالت غیرمعتبر می‌باشد. بنابراین مقررات اداری تعیین‌کننده اعتبار وکالت مدنی خواهد بود. اما در کشور ما مقررات اداری نمی‌توانند چنین اثری داشته باشند. البته ذکر جزئیات در قوانین کشور ما، اختیارات اداری در این خصوص را محدود کرده و لیکن در کشور کانادا مبهم بودن مقررات موضوعه، به افزایش اختیارات اداری در این خصوص کمک خواهد نمود.

نکته قابل توجه اینکه به موجب اساسنامه کانون وکلای کلنادا، حق پیگیری امورات اداری منحصرماً به وکلای دادگستری سپرده شده و وکالت مدنی در این خصوص معنی ندارد. تحصیل‌کرده‌های رشته حقوق برای اقوام درجه یکم خود در حیطه غیرقضائی، اختیار پیگیری امورات اداری را دارند (گر شنگرون، ۲۰۲۲: ۱۴۲). انحصار پیگیری امورات اداری به وکالت دادگستری، حسب اساسنامه کانون وکلای این کشور انجام شده، اما سپردن اختیار وکالت مدنی اقدام درجه اول برای امورات اداری غیرقضائی حسب قانون ثبت این کشور مصوب ۱۹۵۶ معتبر است (مارتین، ۲۰۱۸: ۴۲).

چنانچه اشاره شد، در کشور ما وکالت گاه به موجب سند عادی ممکن بوده که جزئیات آن به شرح ذیل می‌باشد:

- * وکالت در طلاق که گاه در سند نکاح ذکر شده و گاه در دفتر کل با دستخط ذکر می‌گردد.
- * وکالت در برخی امورات اداری داخلی که به موجب قرارداد عادی انجام شده است.
- * وکالت در برخی امورات که گاه از مشتریان یک شرکت اخذ می‌گردد و موارد دیگر.

در کشور کانادا، تحت هیچ عنوان سند عادی بیانگر وکالت نبوده و در نظام اداری این کشور اسناد عادی در این خصوص قابل قبول نمی‌باشد. در امورات داخلی شرکت‌ها نیز، اگر با سند عادی نسبت به پذیرش وکالت اقدام نمایند، در جریان امورات قضائی، مسئولیتی سنگین را بر دوش کشیده و حسب عرف، جرم عدم ثبت وکالت و استفاده از آن برای اعضای هیئت‌مدیره شخصیت حقوقی محرز است (هرناندز، ۲۰۲۰: ۱۴۲). بنابراین تحت هر عنوان، وکالت به صورت سند رسمی در امورات اداری انجام می‌شود.

ملزم شدن به استفاده سند رسمی در وکالت، امکان سوءاستفاده را کاهش می‌دهد. در حال حاضر پرونده‌های کثیر سوءاستفاده وکالت در نظام قضائی کشور مطرح است. در مواردی دفتردار ازدواج با دست‌خط خود وکالت طلاق را به دفتر کل اضافه کرده و درجایی دیگر در اسناد ازدواج موقت که سند عادی محسوب می‌شوند برای پایان مدت ازدواج وکالت داده شده است. این اسناد به راحتی قابلیت جعل داشته و مشکلات زیادی را برای طرفین ایجاد می‌نماید. بنابراین رویه نظام اداری کانادا که نسبت به استفاده از سند رسمی برای وکالت تأکید دارد کاملاً صحیح می‌باشد.

به موجب ماده ۱۳۲ قانون شرکت‌های کانادا مصوب ۱۹۷۳، اشخاص حقوقی برای امورات اداری خود تنها می‌بایست وکیل دادگستری انتخاب نموده و نماینده عادی شرکت در یک امر خاص تنها بک یا حق استفاده دارد. مثلاً شرکت می‌تواند برای انتقال نام یکی از املاک خود یک نماینده در مدت معین تعیین نماید. نمی‌توان اختیار چندگانه را در وکالت‌نامه مدنی برای نماینده ذکر نمود. اما وکیل دادگستری از اختیار چندگانه نظیر دست‌رسی به حساب‌های بانکی و انتقال اموال برخوردار است و این مهم در ماده ۲۱۱ همین قانون ذکر شده است. بنابراین نظام اداری تنها پذیرای وکالت دادگستری می‌باشد. ذکر اختیارات چندگانه برای وکیل دادگستری یک شخصیت حقوقی از نظر اداری پذیرفته شده بوده و وی می‌تواند از اختیار خود بهره برد. اما وکالت مدنی تنها یک اختیار برای نماینده، آن هم به صورت مدت‌زمان محدود ذکر می‌نماید.

نکته قابل توجه دیگر این‌که وکالت دادگستری در صورت مرگ امضاءکننده وکالت، به طور کلی باطل می‌گردد. این مهم در ماده ۳۳۲ قانون مذکور ذکر شده است. ادارات به صورت آنلاین

استعلام صحت وکالت اشخاص حقوقی را انجام داده و در صورت اطلاع از فوت امضاء کننده (حسب اختیار، مدیرعامل، رئیس هیئت مدیره و ...) وکالت به خودی خود باطل است.

خلط وکالت‌های دادگستری و مدنی تنها در خصوص اشخاص حقوقی مشاهده شده که این مورد تنها شباهت نظام حقوقی کانادا با کشورمان می‌باشد. مرگ امضاء کننده نیز وجه دیگر شباهت در این خصوص محسوب می‌شود. اما بازهم ذکر شده که نظام اداری کانادا تنها تنظیم‌کننده این رسم نبوده و در قانون شرکت‌های کانادا به این مهم اشاره شده است. تنها وجه تفاوت نظام‌های حقوقی دو کشور در این خصوص، منع وکالت توسط اشخاص عادی و تحدید اختیارات آن‌ها در نظام اداری می‌باشد.

چنانچه بیان شد، در تعریف ادبیات حقوقی کشور کانادا، تأسیس‌های «مژن» و «لیر» از سنگ بناهای تفکیک وکالت‌های مدنی و دادگستری می‌باشد. وکیل دادگستری به صورت جداگانه مجاز به اخذ وکالت مدنی بوده، لیکن این در صورتی است که به صورت هم‌زمان وکالت دادگستری همان موکل را اخذ نکرده باشد و این مهم بدون ذکر در منابع حقوقی، در ادبیات حقوق اداری ثبتی این کشور وارد شده است. به نظر می‌رسد که توافق اولیه سازمان ثبت و قانون وکلای دادگستری این کشور در سال ۲۰۰۵ سنگ بنای این تفکیک می‌باشد (سریک، ۲۰۲۰: ۴۷).

اما چنانچه بیان شد، این مهم در خصوص اشخاص حقوقی به واسطه وضع قانون موضوعه، ممکن شده و وکیل دادگستری هم‌زمان از اختیارات چندگانه وکالت مدنی برخوردار می‌باشد. البته اختیارات اعطائی به موجب عرف نباید از اختیارات مدیرعامل فراتر رود و اداره شرکت‌ها نسبت به این موضوع شدیداً اعتراض دارد. بنابراین حسب روابط اداری، ذکر اختیار برای وکیل بیش از اختیارات مدیرعامل با پیگیری اداره شرکت‌ها معمولاً به صلاح وکلتنامه خواهد انجامید (پارمار، ۲۰۱۹: ۱۰۲).

در کشور ما حجم عظیمی از پرونده‌های دادسرای انتظامی قضات به استفاده مدنی وکلا از وکالت دادگستری مرتبط است. بنابراین در صورت تفکیک این دو تأسیس مطابق نظام حقوقی کانادا می‌توان از چنین تخلفاتی ممانعت نمود. به عنوان مثال ذکر شود که وکالت طلاق که به موجب دستخط در دفتر کل انجام شده، به صورت وکالت مع‌الواسطه به وکیل زوجه اعطاء شده و وی هم‌زمان به صورت وکالت دادگستری، از سند مجهول وکالت طلاق نیز استفاده کرده که

نوعی وکالت مدنی محسوب می‌شود. با پیگیری زوج که از عدم سپردن حق طلاق به‌خوبی اطلاع داشت، موجب محکومیت کیفی زوج، دفتردار و وکیل مربوطه گردید (۱) سماعیلی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۳).

بنابراین منع وکالت مدنی توسط وکلای دادگستری در نظام حقوقی کانادا می‌تواند اقدامی پیشگیرانه در خصوص جرائمی این‌چنینی محسوب شود. همچنین الزام به ثبت رسمی سند وکالت نیز اقدام پیشگیرانه دیگری در خصوص ممانعت از جعل سند بوده که در مثال پیشین به آن اشاره شد.

۴-۴ بررسی موردی

تا اینجا چنین بیان شد که نظام اداری کشور کانادا، در ابهام منابع حقوق موضوعه، تعیین‌کننده عرف حقوقی می‌باشد. این مهم کم‌وبیش در کشورها نیز وجود دارد. ذیلاً به بحث در این خصوص پرداخته شده است.

۴-۴-۱ معاملات

سازوکار اداری کشور کانادا در خصوص معاملات خودروئی به این صورت است که ابتدا خریدار و فروشنده به همراه قول‌نامه ثبت شده در بنگاه، به دادگاه مراجعه می‌کنند. پس از بررسی اسناد معامله، دادگاه مجوز تعویض پلاک را صادر می‌نماید (هوین، ۲۰۲۰: ۵۰). در این باره چند نکته قابل توجه است (مارتین، ۲۰۱۸: ۵۲۱).

* وکیل مدنی مجاز به معامله با خود نبوده و نظام اداری-قضائی این‌گونه معاملات را نمی‌پذیرد.
* خریدار می‌تواند برای پیگیری امورات اداری، سند رسمی تحت عنوان «اجازه‌نامه» از خریدار دریافت نماید. در این صورت اسناد معاملات همچون اسناد انتقال وجه می‌بایست توسط قاضی بررسی شوند.

* اجازه‌نامه اگر به صورت هبه و بخشش صادر شود، معمولاً بدون مدت بوده و در هر زمان قابل استفاده می‌باشد. اما در صورت انجام معامله، اجازه‌نامه تا یک ماه معتبر است. این مهم در سند ذکر نشده و دادگاه اجازه‌نامه‌ها را بیش از یک ماه پس از تاریخ صدور، پذیرا نمی‌باشد.
* به صورت عرفی، برای خریداری که پس از یک ماه، نسبت به ثبت معامله اقدام نکرده، ده درصد قیمت خودرو جزای نقدی تعیین شده است.

* استعلام زنده بودن موکل انجام نشده و با مرگ موکل، اجازنامه و وکللت از اعتبار ساقط نمی‌شود.

اگر این سازوکار با رویه کنونی کشور ما قیاس شود، مشخص است که بسیاری از مشکلات کنونی معاملات خودرو در کشور ما با این سازوکار مرتفع خواهد شد. اولاً که مشکل عدم تعویض پلاک در موعد مقرر، که یکی از مشکلات نظام معاملات خودروئی می‌باشد به صورت کلی حل شده، دوماً مشکل دلالی در معاملات خودرو نیز مرتفع خواهد شد. با بررسی دقیق اداری توسط دادگاه‌های کانادا، وضعیت دلال بودن فروشنده مشخص شده که علاوه بر دریافت مالیات از وی، مشمول مسئولیت‌های مدنی و کیفری خواهد بود. مدت زمان وکالت نیز در موارد غیر از هبه به صورت عرفی توسط نظام اداری-قضائی یک ماه تعیین شده و این اختیار نامحدود در کشور ما، به عنوان یکی از معضلات، با چنین رویه‌ای قابل ارتفاع است. تأسیس جدید «اجازنامه» نیز گامی مهم در جهت واسطه‌گری نامطلوب می‌باشد. حتی وضعیت بخشش و یا معامله نیز در جریان سند رسمی مشخص شده که در کل، به سلامت معاملات خودروئی کمک می‌نماید.

پس از معامله املاک، طرفین برای ثبت معامله در اداره معاملات املاک اقدام کرده که این نهاد ضمن هماهنگی با قوه قضائیه، نسبت به بررسی صحت معامله اقدام نموده و در نهایت مجوز صحت آن را صادر می‌نماید. نکات قابل توجه به قرار ذیل است (اچوبل، ۲۰۱۹: ۱۰۰).

* وکیل مدنی مجاز به معامله با خود نبوده و نظام اداری این گونه معاملات را نمی‌پذیرد.
* خریدار می‌تواند برای پیگیری امورات اداری، سند رسمی تحت عنوان «اجازنامه» از خریدار دریافت نماید. در این صورت اسناد معاملات همچون اسناد انتقال وجه می‌بایست توسط مسئول مربوطه بررسی شود.

* اجازنامه به صورت هبه یا معامله‌ای، تا دو ماه معتبر است. این مهم در سند ذکر نشده و نظام اداری چنین اجازنامه‌هایی را پس از دو ماه از تاریخ صدور پذیرا نمی‌باشد.

* به صورت عرفی، اگر خریدار پس از یک ماه نسبت به نهایی کردن معامله اقدام نکند، اختیار حق فسخ برای فروشنده ایجاد می‌شود.

* استعلام زنده بودن موکل انجام می‌گردد و با مرگ موکل، اجازه‌نامه و وکالت از اعتبار ساقط خواهد شد.

در کشور ما، مشاورین املاک معمولاً از خلأ قانونی سوء استفاده کرده و این مهم موجب بروز مشکلات زیادی در معاملات مسکن گردیده است. همچنین پای دلالتان به صنعت مسکن باز است که در نهایت به افزایش قیمت مسکن برای مصرف‌کننده خواهد انجامید. برخلاف معاملات خودرو، در این حالت مسئولیت بر سر صحت معامله از طرف نظام قضائی به اداره معاملات که بنگاه‌های معاملات زیر نظر این اداره می‌باشند تفویض شده و در صورت اطمینان از واقعی بودن معامله نسبت به تأیید نهایی سند قولنامه اقدام خواهد شد. در صورت اجرای این سازوکار در کشور ما، علاوه بر حذف دلالتی در صحنه مسکن، امکان سوءاستفاده‌های بنگاه‌داران نیز از بین خواهد رفت.

۲-۴-۴ خلط مفهومی

چنانچه بیان شد، در مواردی که موکل شخصیت حقیقی می‌باشد، وکالت دادگستری مجاز به انجام هم‌زمان وکالت مدنی نمی‌باشد. بنابراین وکیل دادگستری در معاملات نقش فصول در ادبیات حقوقی کشور ما را دارد. اگر در سند وکالت دادگستری اختیاراتی نظیر انتقال نام سند ذکر شود، به هیچ وجه نافذ نخواهد بود. بنابراین وکلای دادگستری تنها حق پیگیری معاملات تا مرحله امضاء را داشته و در این موقع می‌بایست موکل خود را با رضایت کامل نسبت به تنفیذ قرارداد راضی نمایند (اسمیت، ۲۰۱۲: ۳۲).

در کشور ما چنین محدودیتی برای وکیل تعیین نشده و متأسفانه موارد تخلف به صورت زیر مشاهده گردیده است (چهارمیری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۲).

* در مواردی، وکیل دادگستری که پیگیری امورات ارث به وی سپرده شده پس از احقاق حقوق موکل، خود نسبت به فروش اموال موروثی اقدام کرده است.

* در موردی، وکیل دادگستری که پیگیری امورات شرکت به وی سپرده شده نسبت به استخدام غیرقانونی اقدام کرده است.

* در مواردی که پیگیری امور اسناد تجاری به وکیل سپرده شده، نسبت به برداشت حساب غیرقانونی نیز اقدام کرده است و ...

بنابراین تحدید اختیارات وکیل دادگستری و محدود نمودن وی به فصول معامله، تا حدود زیادی می‌تواند مانع از بروز تخلفات مربوطه شود. نیاز است که نظام تقنینی کلاندا چنین محدودیتی را در وکالت اشخاص حقوقی نیز تعیین نماید.

۴-۵ تحدید اختیارات

در خصوص عرف حاکم بر اختیارات وکالت‌ها صحبت شد. چنین عنوان شد که نظام اداری در برخی موارد بر حقوق موضوعه اثرگذار است. این مهم در نظام حقوق اداری کشور ما نیز مشاهده شده و البته نوعی خلأ و ناهماهنگی حقوقی نیز محسوب می‌گردد. ذیلاً به بحث در این خصوص پرداخته شده است.

۴-۵-۱ امورات بانکی

در کشورها یکی از مهم‌ترین مصادیقی که نظام اداری بر تعیین عرف حقوقی اثرگذار است، وکالت‌های مرتبط با امورات بانکی می‌باشد. حسب قواعد وکالت، سپردن اختیار استفاده از تمامی حساب‌های بانکی به یک شخص خاص، بلامانع است. بنابراین در فقدان منع حقوقی وکالت با چنین موضوعی، دفاتر اسناد رسمی مجاز به تنظیم چنین وکالت‌هایی می‌باشند. اما در عمل بانک‌ها از پذیرش چنین وکالت‌هایی خودداری کرده و حساب مقررات اداری خود، وکلتنامه‌هایی را پذیرا بوده که تنها نام یک حساب‌بانک در آن ذکر شده باشد (دارایی و هداوند، ۱۳۹۹: ۹۵).

اکنون این سؤال مطرح است که در صورت قانونی بودن وکالت مذکور، آیا نظام اداری مختار به رد آن است؟ و در صورت ممنوعیت وکالت با موضوع نامحدود بانکی، چرا این مهم در قانون تأکید نشده است. در پاسخ به این سؤال می‌توان چنین بیان داشت که با وجود نوشته بودن قوانین کشور ما، بازهم قانون‌گذار در برخی موارد سکوت کرده و در این خصوص نیز سکوت نسبی دارد. بنابراین در چنین ابهامی، اقدام اداری بانک‌ها در پذیرش تنها وکالت‌های محدود به یک حساب کاملاً صحیح می‌باشد (استواری، ۱۴۰۰: ۳۲۱).

در حال حاضر در برخی دیگر از امورات اداری کشور نیز عدم پذیرش وکالت‌های نامحدود به چشم می‌خورد. بنابراین نیاز است که دفاتر اسناد رسمی باهدف ممانعت از ایجاد هزینه مضاعف برای شهروندان از تنظیم این‌گونه وکالت‌ها خودداری نمایند. این در حالی است که نظام

ثبتي کشور تابع قانون ثبت و نه مقررات اداری می‌باشد. بنابراین هر سندی که قانونی و نافذ باشد در این دفاتر قابل تنظیم است. بنابراین نیاز است که در یک منبع حقوقی و یا رأی وحدت رویه این مهم ذکر شده و دفاتر اسناد رسمی ملزم به عدم تدوین وکالت‌های با اختیار نامحدود شوند. این مهم جزء معدود اشتراکات نظام‌های حقوقی ایران و کانادا در خصوص وکالت مدنی بوده و در نظام حقوق اداری کلنادا نیز به چه ششم می‌خورد (لادو، ۲۰۲۱: ۱۴۲). اما در این کشور حسب عرف اداری و بدون الزام حقوقی، دفاتر اسناد رسمی از تنظیم چنین اسنادی خودداری کرده و این مهم تفاوت مهم اثرگذاری‌ها در نظام‌های حقوق اداری ایران و کانادا را نشان می‌دهد.

۲-۵-۴ امور شرکتی

در کشور ما، وکالت‌های مدنی و دادگستری به صورت نامحدود در ادارات و شرکت‌ها مشهود بوده که جز با انحلال شخصیت حقوقی و یا اراده مدیران، منسوخ نمی‌گردد (طباطبائی، ۱۴۰۰: ۶۰). اما در کلنادا وضعیت متفاوت بوده که به بخش‌هایی از آن اشاره شد. در واقع وکالت اشخاص حقوقی در کانادا تنها مصادق عدم محدودیت اختیارات وکالت دادگستری می‌باشد. برخی جزئیات مهم این نوع وکالت به شرح ذیل می‌باشد: (سالیزین و سیمون، ۲۰۲۱: ۲۹).

* وکالت مدنی اعطائی به وکیل دادگستری اشخاص حقوقی از نظر موضوعی و زمانی نامحدود است.

* اختیارات مدنی وکیل با تعویض مدیرعامل ساقط شده و مدیرعامل جدید در صورت نیاز می‌تواند این اختیارات را تمدید نماید.

* در صورت مرگ امضاءکننده سند وکالت (حسب اساسنامه، رئیس هیئت‌مدیره یا مدیرعامل) سند وکالت از اعتبار ساقط خواهد شد.

* وکیل حق تحقیق و تفحص در خصوص شرکت را داشته و می‌تواند به تمامی اطلاعات شرکت دسترسی پیدا کند.

به نظر می‌رسد که نقطه ضعف نظام حقوقی کانادا در خصوص وکالت اشخاص حقوقی بوده که به موجب قوانین م‌صوب ۱۹۵۶ و ۱۹۷۳ رسمیت یافته و نظام اداری نیز قادر به اصلاح آن نیست. هرچند که اقدامات پیشگیرانه پلیس و قانون وکلای این کشور مانع از ایجاد سوءاستفاده‌ها در این خصوص شده و آمار تخلفات وکلای اشخاص حقوقی اندک است، اما بازهم شرکت‌ها از

سپردن اختیارات بالا به وکلا خودداری کرده و این مهم به معنای نیاز به تحدید اختیارات است. در کشور ما نیز چنین اختیارات نامحدودی به چشم می‌خورد، به علاوه اینکه با مرگ امضاء کننده سند وکالت، اعتبار آن ساقط نشده و تعویض مدیرعامل بر آن بی‌اثر است. بنابراین وضعیت در نظام حقوقی کشور ما به گونه‌ای بدتر بوده، اما محدودیت وکیل در حق تحقیق و تفحص و دسترسی به اطلاعات از امتیازات نظام حقوقی کشور بوده که چنین حقی را فقط با حکم قضائی به رسمیت می‌شناسد.

۳-۵-۴ استعلام آنلاین از اداره متمرکز

با توجه به تأثیرپذیری که اعتبار وکالت‌نامه از برخی امورات مدنی دارد، نیاز است که پیش از استفاده از وکالت‌نامه، اعتبار آن توسط اداره موردنظر بررسی شود. اگر در این باره قصوری صورت پذیرد به معنای بی‌اثر کردن فعل حقوقی می‌باشد. در کشور کانادا تمامی ادارات به استعلام آنلاین سه‌گانه ذیل متصل می‌باشند (رائو و شارما، ۲۰۱۷: ۴۷).

*اداره ثبت احوال برای استعلام زنده‌بودن موکل.

*اداره شرکت‌ها باهدف استعلام حدود اختیارات اعضای هیئت‌مدیره، وضعیت مدیرعامل وزنده بودن آنها.

*اداره ثبت اسناد باهدف استعلام اسناد مرتبط دیگر.

با توجه به این که اعتبار وکالت‌نامه می‌تواند به صورت لحظه‌ای تغییر یابد، می‌بایست به صورت آنلاین نیز استعلامات مربوطه اخذ شود. در کشور ما گاه در این مورد قصور می‌گردد. برای مثال ذکر شود که مراکز تعویض پلاک تنها به اخذ استعلام اصیل بودن وکالت‌نامه بسنده کرده و در خصوص اطلاع از زنده‌بودن موکل اقدامی انجام می‌دهند. بنابراین ماده ۶۷۸ «ق.م» در این مورد عملاً نادیده انگاشته شده و در صورت فوت موکل، بازهم می‌توان نسبت به تعویض پلاک به صورت وکالتی اقدام نمود. بنابراین می‌توان بیان داشت که در نظام اداری راهنمایی و رانندگی کشور، عملاً شرط زنده‌بودن موکل برای اعتبار وکالت تعویض پلاک نادیده انگاشته شده است. نیاز است که باهدف اجرای صحیح قانون، ادارات به نظام استعلام آنلاین متصل شوند.

۵- روش پژوهش

از آنجاکه این تحقیق از پژوهش‌های بنیادی از نوع مطالعه تحلیلی-توصیفی است که در آن از روش‌های استدلال و تحلیل عقلایی بر پایه‌ی مطالعات اسنادی (کتابخانه‌ای) بهره گرفته می‌شود، لذا روش گردآوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای می‌باشد که ماخذیابی، گام نخست این پژوهش خواهد بود و از طریق فیش‌برداری یا تحقیق و تفحص در آثار علمی بهره‌مند شده است.

۶- یافته‌ها

تا اینجا ضمن معرفی جایگاه وکالت‌های مدنی و دادگستری در نظام حقوقی کانادا، قیاسی با وضعیت مشابه در کشور ما صورت گرفت. با وجود انتقادهایی همچون اختیارات نامحدود وکیل اشخاص حقوقی در کانادا، نظام اداری این کشور رویه مناسبی در پیش گرفته که به نسبت نظام حقوقی کشورمان، آمار پائین‌تری از تخلف وکلا را به خود اختصاص داده و از عملکرد خوب نظام حقوق اداری این کشور نشأت گرفته است. ذیل این مبحث قابلیت اعمال این الگو در نظام اداری کشورمان مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۶ عدم پذیرش سند عادی در وکالت

چنانچه بیان شد، در مواردی وکالت به صورت سند عادی رواج دارد. در کشور کانادا وکالت با سند عادی مطلقاً ممنوع بوده و در مواردی که نظام اداری به صورت داخلی به آن رسمیت بخشیده، مجازات تعیین شده است. یکی از مهم‌ترین مصادیق استفاده از سند عادی وکالت در کشور ما، طلاق می‌باشد. به‌هرحال سند عادی یک سند حقوقی محسوب شده که قابلیت پیگیری قضائی دارد. اما می‌توان نظام اداری را به‌طور کلی از پذیرش وکالت طلاق به‌واسطه سند عادی منع نمود. در حال حاضر نظام اداری-قضائی، نسبت به پذیرش سند عادی اقدام کرده و در مواردی که ازدواج موقت می‌باشد، زوجه با وکالتی که در عین امضای سند عادی اعطاء شده به‌راحتی می‌تواند نسبت به بذل مدت اقدام نماید (زارعی، ۱۴۰۰: ۳۲۲). هرچند که تعهد وکالت طلاق داده‌شده دارای اثر حقوقی می‌باشد، اما جهت مبدل شدن آن به سند رسمی، زوجه می‌تواند اقدام قانونی مقتضی را انجام داده تا درنهایت به تنظیم سند رسمی بیانجامد. اما در مصادیق بیان‌شده می‌توان نظام اداری را از پذیرش اسناد وکالت عادی بازداشت.

در مواردی نیز وکالت شرکت‌ها به موجب قرارداد عادی انجام شده و نماینده تعیین شده بدون تنظیم سند رسمی و براساس توافق فی‌مابین، به برخی امورات رسیدگی می‌کند. هرچند که این عمل نیز جنبه حقوقی دارد، اما باید مبنای تنظیم سند رسمی قرار گیرد. همان‌طور که در نظام حقوقی کانادا برای این مورد جرم‌انگاری صورت گرفته، می‌توان نسبت به این مهم در کشور ما نیز اقدام کرد. زمانی که مشکلات حقوقی این حوزه به‌نظام قضائی کشیده شود، از وضعیت سند عادی وکالت اطلاع حاصل شده و می‌توان در آن زمان مجازات‌هایی برای موکلین در نظر گرفت. اما این مورد در نظام اداری کشور ما جایگاهی ندارد. در نظام حقوقی کانادا، تعیین مجازات همواره به بیان صریح قانون محدود نبوده و به صورت عرفی نیز جرم‌انگاری صورت می‌گیرد. اما به‌موجب ماده دوم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، فعل/ترک فعل‌های مجرمانه تا زمان عدم جرم‌انگاری در منابع حقوقی، جرم محسوب نمی‌شوند. بنابراین می‌باید است برای تنظیم وکالت به‌صورت سند عادی، مجازات‌هایی بازدارنده تعیین نمود.

۲-۶ تفکیک دو تأسیس وکالت دادگستری و مدنی

تفکیک تأسیس‌های مذکور در نظام حقوقی کانادا به تعریف ادبی وکالت باز می‌گردد. چنانچه بیان شد، نام وکالت مدنی و وکالت دادگستری به‌صورت مستقل استفاده شده و حتی برای معامله با خود تأسیسی به نام اجازه‌نامه با تعهدات مشخص مطرح است. بنابراین تأسیس‌های جداگانه خودبه‌خود آثار حقوقی خاص خود را به دنبال داشته که در نهایت آثار منفی خلط آن مشاهده نمی‌شود. در این حالت اختیارات نظام اداری در رسمیت‌بخشی حقوقی به آن نیز بیشتر است. تنها انتقاد وارده به‌نظام حقوقی کانادا در این مورد، خلط وکالت‌های مدنی و دادگستری اشخاص حقوقی می‌باشد.

در کشور ما این مهم در منبع حقوقی نوشته‌ای همچون «ق.م» ذکر شده و همگی تحت عنوان وکالت ذکر شده و حتی معاملات وکالتی را نیز به‌دنیای حقوقی وارد کرده است. ادبیات حقوقی نیز چنین تأسیسی را پذیرفته و به نظر تغییر در آن سخت به نظر می‌رسد. ذکر نام وکالت‌های مدنی و دادگستری حسب تفاسیر سطح از منابع حقوقی بوده و نه ذکر منابع حقوقی. در کشور ما نظام اداری به سختی از عرف تأثیرپذیر بوده و عمدتاً تابع منابع حقوق نوشته می‌باشد (قاسمی، ۱۴۰۰: ۱۳۲). بنابراین برای اصلاح این مهم می‌باید است تنها به اصلاح منابع حقوق نوشته امید

خا‌های حقوقی مذکور منجر به تأسیس رویه حقوقی عرفی معاملات وکالتی شده که چنانچه بیان شد در معاملات مختلف مشکلات متعددی را به دنبال دارد. نظام اداری ناظر و متولی بر معاملات املاک و خودرو، آنچنانکه مورد انتظار بود به قولنامه اعتبار نبخشد و هنوز هم پای دلالان به این معاملات باز است. تنها اقدام اداری مؤثر در خصوص معاملات، ثبت کد رهگیری برای معاملات بود که مانع از فروش ملک به چند نفر می‌گردد. اما انتقال نام سند که معمولاً مرحله پایانی معاملات محسوب می‌شود به بررسی قولنامه وابسته نمی‌باشد. در چنین وضعیتی دلالان پا به عرصه گذاشته که موجب به جیب رفتن ارزش افزوده به جیب معامله‌گرانی شده که اقدام مطلوبی انجام نداده‌اند. نیاز است که با الهام از نظام حقوقی کانادا، انتقال نام سند منوط به تأیید سازمانی خاص شده که جریان معامله را به درستی کنترل کرده و مانع از حضور دلالان در این صنعت شوند.

نظام حقوقی کانادا به صورت عرفی، نیاز به تأسیس اجازه‌نامه را حس و به آن رسمیت بخشد. نظام اداری کشورمان خارج از حقوق موضوعه فعالیت ننموده و بنابراین نیاز است که برای رسمیت بخشی به سند اجازه‌نامه که آثار حقوقی آن متفاوت از وکالت‌نامه می‌باشد اقدامات تقنینی مقتضی صورت پذیرد.

۷- جمع بندی و نتیجه گیری

چنین نتیجه شده که نظام حقوق اداری کشورهای غربی بر حقوق موضوعه و مسائل ماهوی اثرگذار است. خا‌های حقوقی که از فقر منابع حقوق نوشته نشات می‌گیرد با عرف موجود در نظام حقوق اداری این کشورها قبل جبران است. بنابراین تا سیس‌های مختلفی از مفهوم نمایندگی ارائه شده که برای هر یک ماهیت و آثار مختلفی مفروض است. در چنین وضعیتی خلط اختیارات وکلا مشهود نبوده و احتمال تخلف وکلا بسیار کمتر است. در کشور ما چنین تفکیکی انجام نشده و تداخل اختیارات از عوامل جرم‌زا محسوب می‌شود. همچنین نظام حقوق اداری از عرف اثرپذیری بسیار کمی دارد. باوجود تعاریف دقیق وکللت در قوانین موضوعه کشور، نظام اداری خود را مجاز به تأسیس بیشتر ندیده و بنابراین تمامی اقدامات غیراصیل تحت

تأسیس وکالت قرار گرفته که در غیاب نظارت اداری دقیق، موجب ایجاد پدیده معاملات وکالتی گردیده است. برای رفع این مشکل، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

- * پی‌شنهاد می‌شود که قانون‌گذار کشور استفاده از سند عادی وکالت را جرم‌انگاری کرده و بدین صورت تمامی وکالت‌ها با سند رسمی انجام شود.
- * پی‌شنهاد می‌شود قانون‌گذار کشور به‌مانند نظام حقوقی کانادا سه تأسیس وکالت مدنی، اجازه‌نامه معاملات و وکالت دادگستری را از یکدیگر تفکیک کرده و استفاده هم‌زمان بیش از یک مورد را مابین دو شخص ممنوع اعلام دارد.
- * پی‌شنهاد می‌شود که با هماهنگی سازمان‌ها و اداره ثبت که مستلزم صدور بخشنامه الزام به همکاری توسط قوه قضائیه می‌باشد، وکالت‌های خاص با اختیارات محدود تعیین شده و دفاتر اسناد رسمی از تنظیم وکالت‌های غیراز آن خودداری کنند.
- * پی‌شنهاد می‌شود که با نظارت دقیق ادارات مرتبط با قوه قضائیه بر معاملات خودروئی و ملکی، جریان معامله کاملاً بررسی شده تا با حذف دلالت، پدیده معاملات وکالتی نیز حذف شود.
- * پی‌شنهاد می‌شود که برخلاف نظام حقوقی کانادا، تحدید اختیارات و تفکیک وکالت‌ها در تمام حالاتی که موکل دارای شخصیت حقیقی/حقوقی می‌باشد انجام شود.

۸. منابع

۱. استواری، کورش؛ امامی، محمد (۱۴۰۰) «حقوق اداری»، تهران: میزان، چاپ اول، جلد دوم.
۲. اسماعیلی، میترا؛ رادان جبلی، علی؛ توسلی نائینی، منوچهر (۱۴۰۰) «نظام حقوقی حاکم بر پیمان های دولتی در پرتو حکمرانی مطلوب»، فصلنامه علمی پژوهش های نوین حقوق اداری، دوره سوم، شماره اول، صص ۳۹-۵۸.
۳. چهارمیری، ثریا؛ از صاری، ولی-الله؛ خ سروی، ح سن (۱۳۹۸) «بررسی تطبیقی فسخ قراردادهای اداری در حقوق ایران و فرانسه»، حقوق اداری. دوره هفتم، شماره دهم، صص ۱۳۹-۱۶۵.
۴. دارابی، محمد؛ هداوند، مهدی (۱۳۹۹) «مطالعه تطبیقی داوری در قراردادهای پیمانکاری در حقوق ایران و فرانسه»، فصلنامه علمی پژوهش های نوین حقوق اداری، دوره دوم، شماره دوم، صص ۸۹-۱۱۰.
۵. زارعی، حسین (۱۴۰۰) «تخلفات اداری»، تهران: دوران، چاپ اول، جلد اول.
۶. طباطبائی، منوچهر (۱۴۰۰) «حقوق اداری»، تهران: میزان، چاپ اول، جلد اول.
۷. رضایی، حمزه؛ کشاورز، بهمن؛ صادقیان، عباس؛ شیری، فتاح (۱۳۹۷) «مسئولیت کیفری و مدنی وکیل دادگستری در راستای امر وکالت در قبال موکل با تأکید بر حقوق شهروندی»، مجله علمی پژوهش های حقوقی، دوره دوازدهم، شماره دوم، صص ۷۹-۹۱.
۸. عسگری، امیر؛ عباسی، بیژن (۱۴۰۰) «سازمان های اداری و محلی»، تهران: امجد، چاپ دوم، جلد اول.
۹. قاسمی، عبدالعلی (۱۴۰۰) «آموزش مکاتبات اداری»، تهران: دیباگران، جلد اول.
۱۰. عابدی، محمد؛ ساعتچی، علی؛ جاویدی آل سعیدی، فرزاد (۱۳۹۳) «وکالت در مقام بیع»، پژوهش حقوق خصوصی، دوره ششم، شماره دوم، صص ۱۰۱-۱۱۹.
۱۱. حقوق ثبت کانادا، مصوب ۱۹۵۶.
۱۲. قانون آئین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۴، با آخرین اصلاحات.
۱۳. قانون آئین دادرسی مدنی، مصوب ۱۳۷۹، با آخرین اصلاحات.
۱۴. قانون شرکت های کانادا، مصوب ۱۹۷۳.
۱۵. قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.
۱۶. قانون مدنی ایران، مصوب ۱۳۱۶، با آخرین اصلاحات.
۱۷. قانون مدنی فدرال کانادا، اصلاح شده در سال ۲۰۲۰.
۱۸. قانون وکالت، مصوب ۱۳۱۵.

۱. ALEXANDER, Basil (۲۰۱۹). Pragmatic Assorted Strategies: How Canadian Cause Lawyers Contribute to Social Change. *The Supreme Court Law Review*, 2nd Series, 90: 3-30.
۲. BOOKMAN, Pamela (۲۰۲۱). Procedure, Here, There, and Everywhere. *Jotwell: J. Things We Like*, 1.
۳. BOYD, Susan B. Fairly Equal (۲۰۱۸): *Lawyering the Feminist Revolution*, by Linda Silver Dranoff.
۴. CERIC, Irina (۲۰۲۰). *Lawyering from Below: Activist Legal Support in Contemporary Canada and the US*.
۵. FARBMAN (۲۰۱۹), Daniel. *Resistance Lawyering*. *Calif. L. Rev.*, 107: 1877.
۶. GERSHENGOREN (۲۰۲۰), Rachel. *Benefits of Using Collaborative Lawyering Outside of Family Law Disputes*.
۷. HEAVIN, Heather; KEET, Michaela (۲۰۲۰). *Client-Centered Communication: How Effective Lawyering Requires Emotional Intelligence, Active Listening, and Client Choice*. *Cardozo J. Conflict Resol*, 22: 199.

۸. HERNANDEZ, Julia (۲۰۲۰). Lawyering Close to Home. *Clinical L. Rev.*, ۲۷: ۱۳۱
۹. LADO, Marianne Engelman; RUMELT, Kenneth (۲۰۲۱). Pipeline Struggles: Case Studies in Ground up Lawyering. *Harv. Envtl. L. Rev.*, ۴۵: ۳۷۷
۱۰. MARTIN, Andrew Flavelle. Orphans No More (۲۰۱۸): A Review of Elizabeth Sanderson, *Government Lawyering: Duties and Ethical Challenges of Government Lawyers* (Toronto: LexisNexis Canada). *Government Lawyering: Duties and Ethical Challenges of Government Lawyers* (Toronto: LexisNexis Canada), ۲۰۱۸, ۴۱: ۲
۱۱. MARTIN, Andrew Flavelle (۲۰۱۸). Orphans No More: A Review of Elizabeth Sanderson, *Government Lawyering: Duties and Ethical Challenges of Government Lawyers*.
۱۲. PARMAR, Pooja (۲۰۱۹). Reconciliation and Ethical Lawyering: Some Thoughts on Cultural Competence. *Can. B. Rev.*, ۹۷: ۵۲۶
۱۳. PEDERSON, Jan M.; LAW, Immigration (۲۰۰۷). The Fundamentals of Lawyering at Consular Posts. AILA's The Visa Processing Guide.
۱۴. RAO, R. Venkata; SHARMA, Prakash (۲۰۱۷). Towards a New Era of Legal Tech Startups: Lawyering ۲۰۰. R. Venkata Rao and Prakash Sharma, "Towards a New Era of Legal Tech Startu.
۱۵. SALYZYN, Amy; SIMONS, Penelope (۲۰۲۱). Professional responsibility and the defence of extractive corporations in transnational human rights and environmental litigation in Canadian courts. *Legal Ethics.*, ۲۴.۱: ۲۴-۴۸
۱۶. SCHWÖBEL-PATEL, Christine (۲۰۱۹). Populism, international law and the end of keep calm and carry on lawyering. In: *Netherlands Yearbook of International Law* ۲۰۱۸. TMC Asser Press, The Hague. p. ۹۷-۱۲۱
۱۷. SINGER, Samuel. Trans competent lawyering (۲۰۱۹). *Trans Competent Lawyering* (October ۱, ۲۰۱۹). in Joanna Radbord, (ed.), *LGBTQ+ Law: Practice Issues and Analysis*, (Toronto: Emond Publishing.
۱۸. SMYTH, Gemma; JOHNSTONE, Dusty; ROGIN, Jillian (۲۰۲۱). Trauma-Informed Lawyering In The Student Legal Clinic Setting: Increasing Competence In Trauma Informed Practice. *Int'l J. Clinical Legal Educ.*, ۲۸: ۱۴۹
۱۹. SOWTER, Deanne (۲۰۱۸). Increasing the emphasis on family law lawyering: correspondent's report from Canada. *Legal Ethics.*, ۲۱.۲: ۱۶۳-۱۶۶
۲۰. TIPPETT, Elizabeth C., et al (۲۰۲۱). Does Lawyering Matter? Predicting Judicial Decisions from Legal Briefs, and What That Means for Access to Justice. *Tex. L. Rev.*, ۱۰۰: ۱۱۵۷